



مقطع تحصیلی: کاردانی کارشناسی رشته: مترجمی مکتوب ترم: 3 سال تحصیلی: 1398-1399

نام درس: کارگاه ترجمه آثار مکتوب (انگلیسی به فارسی) نام و نام خانوادگی مدرس: فرهاد تابنده
آدرس email مدرس: farhad021.t@gmail.com تلفن همراه مدرس: 0935776446

جزوه درس: کارگاه آثار مکتوب (سه شنبه 8-11؛ 13 خرداد) مربوط به هفته : دهم ندارد

text: دارد ندارد voice: دارد ندارد power point: دارد ندارد

تلفن همراه مدیر گروه :

با سلام خدمت دانشجویان گرامی. متن جدید در مورد رسانه های ارتباط جمعی است. کلمات خط کشیده شده کلمات مهم متن هستند که در ادامه معادل های فارسی مناسب آنها را مشاهده می کنید.

Mass media refers to a diverse array of media technologies that reach a large audience via mass communication. The technologies through which this communication takes place include a variety of outlets.

Broadcast media transmit information electronically via media such as films, radio, recorded music, or television. Digital media comprises both Internet and mobile mass communication. Internet media comprise such services as email, social media sites, websites, and Internet-based radio and television. Many other mass media outlets have an additional presence on the web, by such means as linking to or running TV ads online, or distributing QR Codes in outdoor or print media to direct mobile users to a website. In this way, they can utilize the easy accessibility and outreach capabilities the Internet affords, as thereby easily broadcast information throughout many different regions of the world simultaneously and cost-efficiently.

The organizations that control these technologies, such as movie studios, publishing companies, and radio and television stations, are also known as the mass media



Difficult Words and Expressions:

Mass media	رسانه های جمعی
Diverse	مختلف؛ متفاوت؛ گوناگون
Array	دسته؛ تعداد؛ گونه
Audience	مخاطب
Via	از طریق؛ به وسیله
Mass communication	ارتباط جمعی
Through which	که از طریق آن
To take place	انجام شده؛ اتفاق افتادن؛ به کار گرفته شدن (در این جمله)
Variety	مختلف؛ گوناگون
Outlet	خروجی
Broadcast media	رسانه های صوتی-تصویری
To transmit	انتقال دادن؛ ارسال کردن
To comprise	شامل شدن؛ متشکل از چیزی بودن
To distribute	پخش کردن؛ ارائه کردن
Accessibility	دسترسی
To outreach	به چیزی رسیدن؛ دست پیدا کردن
Capability	توانایی
To afford	توانایی انجام کاری را داشتن؛ از پس هزینه های چیزی برآمدن
Thereby	بدین وسیله



Region	منطقه؛ ناحیه
Simultaneously	به طور همزمان
Cost-efficient	ارزان؛ دارای قیمت مناسب؛ کم هزینه